

٩١ / ١٢ / ١

جلسه ٦٨

صحیح و اعم

سه شنبه

سال سوم

صحیح و اعم (٢)

انتزاعی بودن مفهوم تمامیت - مقوم بودن اثر در مفهوم تمامیت

تمامیت یک امر انتزاعی است از قیاس یک شیء با اثری که از آن انتظار داریم پس «اثر» نمی تواند از لوازم تمامیت باشد چراکه مقوم تمامیت است

محل بحث کجاست؟

اینکه: شی فی حدّ نفسه نه تامّ است و نه ناقص = سخن درستی است

اینکه: تمامیت مفهومی انتزاعی از قیاس شیء با شیئی دیگر است = سخن درستی است

محل بحث = مقیاس، ترتیب اثر باشد

تصور تمامیت در دو حوزه

۲. حوزه مفاهیم

۱. حوزه مصادیق

حوزه اول : حوزه مصادیق

ملاک تام بودن: مصداقی تام است که در قیاس با طبیعت نوعیه اش تام باشد

اشکال به مشهور:

این حوزه همان است که با عنوان تمامیت به لحاظ آثار به آن اشاره شد
اما بر خلاف بزرگان تمامیت در اینجا از قیاس با طبیعت نوعیه انتزاع می شود

حوزه اول : حوزه مفاهیم

توضیح: یعنی اینکه طبیعت نوعیه در چه صورتی تام است و در چه صورتی ناقص

ملاک مرحوم خوئی: تمامیت به لحاظ اجزاء و شرایط است و اضافی نیست!

نکته: تمامیت در اینجا ، تنها صفت ماهیات اعتباری است نه مفاهیم حقیقی

سؤال: این مفاهیم اعتباری تمامیت از قیاس طبیعت نوعیه با چه چیزی انتزاع می شود؟

جواب: حق در این جا با مرحوم اصفهانی است و این تمامیت از قیاس طبیعت نوعیه با آثار انتزاع می شود

ما می گوئیم
(۲)

بخش نخست : مفاهیم اعتباری

یک : (مثلاً در ماهیت صلاة) شارع آثاری را مدّ نظر می گیرد و برای رسیدن به آنها، ماهیتی را اعتبار می کند

دو : در این جا، آثار، علت اعتبار هستند و در موضوع له قید نشده اند = حیثیت تعلیلیه

سه : آن ماهیت با توجه به اینکه برای رسیدن به آن آثار تمام است، متصف به صفت تام می شود

= **تمامیت در حوزه مفاهیم**

چهار : اگر گفتیم نام صلوة برای همان ده جزء قرار داده شده است = **صحیحی** شده ایم

اگر گفتیم برای - مثلاً - «هشت جزء» قرار داده شده است = **اعمی** شده ایم

پنج : زید در خارج نمازی می خواند. اگر مطابق با طبیعت نوعیه است، تام است و الا ناقص است

= **تمامیت در حوزه مصادیق**

اگر **تمامیت در حوزه مصادیق** به عنوان موضوع له می باشد = قول به **وضع عام موضوع له خاص**

چراکه : هر مصداق در حقیقت یک جزئی از جزئیات مفهوم «تمامیت در حوزه مصادیق» است

ما
می گوئیم
(۳)

بخش دوم : مفاهیم حقیقی

یک : (مثلا در ماهیت هندوانه) طبیعت نوعیه هندوانه دارای اجزائی است و آثاری را دارد

دو : واضح لغت :

یا لفظ هندوانه را برای همه آن اجزاء قرار داده است = **صحیحی**

و یا برای برخی از آنها = **اعمی**

سه : ماهیت هندوانه به تمامیت متصف نمی شود

چهار : مصادیق هندوانه به صفت تمامیت متصف می شود، مصادیق است.

یعنی اگر این هندوانه مطابق با ماهیت و طبیعت نوعیه بود تام است و الا ناقص است

ما
می گوئیم
(۴)

بحث از ماهیات اعتباری و نه مصادیق

چون سخن درباره وضع ماهیات اعتباری و نه مصادیق است، باید بحث را درباره تمامیت در حوزه مفاهیم مطرح کنیم

تا کنون
گفتیم

آثار، مقوم مفهوم تمامیت است

در حوزه مفاهیم اعتباری، تمامیت از قیاس با آثار انتزاع می شود و لذا آثار مقوم مفهوم تمامیت هستند

طبق فرمایش آخوند:

آثار = معلول صلوة تام (ده جزئی) یعنی مصداق تمامیت هستند

و این منافاتی با این ندارد که طبق فرمایش اصفهانی آثار علت انتزاع مفهوم تمامیت باشند

دو نکته
اساسی

اگر اثری مثل **معراج مؤمن** به عنوان مقوم مفهوم تمامیت لحاظ شود:

اشکالی ندارد که اثری دیگر مثل **اسقاط قضا** به عنوان معلول تمامیت مطرح شود

«اسامی عبادات» کلی است

و وضع در آنها، به نحو وضع عام، موضوع له عام است

وضع و موضوع له در الفاظ عبادات = **عام** است

احتمال اینکه وضع عام، موضوع له **خاص** باشد، **بعید** است

لازمه این قول آن است که :

بگوییم اگر این الفاظ در معنای جامع (مفهوم و عنوان کلی) استعمال شدند، این استعمال، مجازی است.

یا بگوییم: استعمال این الفاظ در جامع و امثال آن، ممنوع است

که البته مجازی بودن و ممنوع بودن این استعمال بعید است